

هوالمعین

تذکره

صاحب استیلا

ذکا الملک

باجازه وزارت حلیه

انطباعات

پنجشنبه یازدهم شهر ربیع الثانی ۱۳۱۴ هجری

(۱)

هفتم پیاپی ماه فرانسه ۱۸۹۶

نمره اول

قیمت در دوازده پنجاهی

در خارج اجرت پست بعلاوه

هر کس متعاله مفیدی بداره تربیت فرستد و نشر از اصلاح دانست بابت بسم خود یوه طبع خواهند

(اعلان)

بیاری قادر متعال حله و قد است استیلا و با اجازه وزارت حلیه  
انطباعات این روزنامه هفتگی موسوم (تربیت) شروع طبع نمود  
و در از معاوضت بروی ارباب دانش گشود هر کس حرفی  
سودمند داشته باشد بواسطه این جبهه می تواند بگوید و در راه وطن  
کامی و راهی بگوید این در مشتمل بر برگونه مطلب مفید است و از  
اغراض تربیت و تحج و قبح و غیره فارغ و آزاد قیمت آن پهل و بنا  
نه تجا با حادی داده میشود و حکا در حسبه اری آن بر نفسی مختار است  
و عالم عالم خستیا

(آغاز سخن)

اگر بر حکا و دانشندان جهان برآند که بشه نوعی واحد است و اری  
استاد جنبی و ارای انواع اگر چه برخی غیر از این گفته و قائل

با نوع شده و اصول استعداد هر نوعی را غیر از دیگری دانسته  
این قول ضعیف است و مخصوصا این دهنه که ربع سکون یعنی معوره  
و اظهار آباد قایلیم چه طوری به هم ارتباط حاصل نموده و آید و شد  
پیدا کرده که در حکم یک ملک است و بنا به یک ناحت سکنت  
و روی زمین همه با هم مجاور و جوار و همسایه دیوار بدیوار با هم  
برای و محبه در طرف چند روز از شرق مغرب میروند و از جنوب  
بشمال میروند و دور و نزدیک را چنان میپیمایند که کوئی ازین محله بان محله  
نقل مکان و تفرج منینما پیا فرین بکجا و دور خالین متحق که در عواید  
عل و حلال اقوام و خصایص اقوام و خصایل قایل نظری نیست  
و هوئی ثابت دارند و از بار یک بینی و موثکافی در میان متشابهات  
فرق میگذارند همه جارادیده و بغیر عادات و حالات تمام طبقات  
و صنف خلایق از پسیاه و سفید و غیره رسید پس از تجارب



عده و آتشی فیده و پنجه میگویند چه بشری است از یک وزاد و دارای یک قدرت استعداده و تفاوتی که در میان است از تربیت است اگر راه تربیت باید خود را ببلای علی برساند و اگر در خراب خانه بی در و بام باشد و این مطلب را در مقدمه می آید پس فراموشی (مادام فیقر) المانی از پستان مشهور هستند فرنگ و در با جای دیگر خوانده دیده ایم و از اغوا به حال شنیده و از مطالبی که موی نوع واحد بودن نشان است اینکه همیشه میگویند نوع بشر میگویند جنس و مطلب از بس مسلم و مبرهن است حاجت بشاید و استناد نیست فقط آثار کافی است برویم بر سر شجره و مقصود	در باغ بهشت بکاری و از خوش کوثر آب و بی لاله نماند قسمی که مرا نیا میزند که جلد کنم میترم نیست اما از مواهب سینه آبی و نشه نیای رحمت پستانهای چون به ایم و در اصول استعداد یکسان خاکند بزرگان مجرب و مجرب کاروان فرموده اند بکار مطلب و خشم گوئیم اگر تفاوتی در میان است از تربیت و اگر نقصانی در جانی مشاهده شود از نقص مثبت پس حالا خوبست چشمی بکشایم و بحال خود نظری بنماییم پس میبینیم که ایم چه ایم و ایم یا کیم خیم باید علف بنمایان بر جلد از آماجار کرد یا کیم با خرف یا تو لالا یا قوت آب اول یا رواق بدل منحصر و نقصی داریم یا نداریم و باید خود را در ردیف آن مردان که امروز در صف اول قرار آید پستانده اند و پایه نایب را بر طاق و روانی بنده نهاده بشماریم یا شماریم و استمان در از است و راه گفتو باز کم کم باید گفت و خورده خورده باید شفت و کی از خصایص ما این است که نیکویم همه چیز میدانیم و همه کار می توانیم اما برادران ما ندارند و وجود هر یک را غیمت می شماریم هر چه را میدانیم می پریم سوال میکنیم جواب میدهند و البته ما در این تعهدی که می نماییم تنها نماند و راه همه
--	--



می سپارند برادر می کنند بلکه پری خواجگی و پسروری چه اگر  
خیری است برای همه است و اگر خط و حراستی شامل تمام مرد و عا  
اگر باشد و تقش می کنیم تا از مجاهدین باشیم قاعدین و در حل  
مقتدین و پناهندین و اگر جای بعضی در ارشاد و ماضی گیرند  
و در ملک معلومات مضایقه نمایند و ما هستند که دل خشن  
از لوث غل و ساک پاک است و غره و ناصیه که امان در خشن  
و تابناک از بیدان بر میان پناه بریم از پس که خیان چشم پوشیم  
و در خوان اینجا غمخوار و بکین خوریم و نوشیم  
و زارت جلیله نظایات چون از مقاصد پنهان و درک عینه و جن  
ت و خیال بند محسوسند و علیحضرت شهریار فرخنده آثار و پدر  
مهربان تاجدار شاهنشاه کارگاه مظهرالدین شاه روحانده  
خبردار است باذن داد که این روزنامه هفتگی موسوم تربیت را  
طبع کنیم و منتشر سازیم و در دوره های هفتگی سابقه و آب  
تاری خودی در این مضمار اندازیم دست پائی کنیم و صاحبان  
روئی برینیم ( بلکه باین فتد چون شده گوی برینیم )  
با هم میشت گری مکارم مبدوله پاراد بلند ترین پیر زبان و عوا  
که داشته جرات کرده و صاحبان بصرواصل نظراعلان می نماییم که

یونخی داریم و نه از حد و کینه و رقابت و رشک دیرینه بلکه برای  
غیر کردن آن در مضر معارف و معالی عبادت او را بختی بخش می فرود  
و در برائت پاحت آن از وصت اغراض دست ختی المقد و میگویم  
و آنان که پاک را از ناپاک تیرد دهند و در میان فرودیده و سوب و نار نظا  
عزوب فرق دهند البته از بخت گریه با با هر سراسی خواهند نمود  
و آن کرمت خواهند نمود که مصر با این عنبر زامی پاکر از جامی باقی  
دنیا شود و منبج نعل علیا و قطعی نعل مقاصد هشی عبادت درین  
باین چند سطر اقصا می نماییم و اگر بخواست خدا بپاییم در ما  
از صحبت بکشاییم

### احبار خارجه

### بشارت

اگر شخص است گوی با خبر و که حکای بزرگ فرگفت علاج عا  
پیدا کرده اند آیا مژده بزرگی نداده روزنامه تربیت در این  
اول خود این مژده بطلان کستگان میدهد و میگوید اینم کی از خواب  
تربیت روزنامه هفتگی و با موزن تاریخ هفتم ماه نوامبر گوید  
طاعون کی از امراض پر خوف و وحشت باقی است و اگر کسی تاریخ  
رجوع کند می بیند این مرض قتال با نوح بشهر کرده و چه برود مردم



آورده بدتر از همه اینکه این در درامانی نبود بلکه احدی باور نمینمود  
که بتوان علایجی برای آن پیدا کرد حالا معلوم میشود علایمی معلوم  
جدیده این مرض را نیز پانزده خسته کار این جسم آلوده آن نیز خسته  
صاحبان آگاهی دانند که (میوپاشتر) معروف که ذکر خبر  
در افواه جاوید دارد اصل می موسوم به اسم پاشتر بر پا کرده بود  
که هنوز هم دایر است اجرای این دار العلم که بترتیبان حکیم  
داشتند صاحب مقامی معلوم شده اند ماده پیدا کرده که برای  
دفع طاعون مفید است (میوپاشتر) طبیب که حالا  
چین است تجربه آن پرده است و دفع و فایده آن یقین حاصل نموده  
باین معنی که روزیازدهم ماه اکتبر همین سال تکراری از طبیب مشایر  
رسیده میگوید جوانی در شهر (کانتون) از بنا در معینه چین  
ملا با خوشی طاعون شد و طبیب از معالجه آن با یو پس گفتند  
من او را همان ماده اجرای دار العلم پاشتر معالجه کردم و شفا  
یافت پس از آن بابتیج آن ماده پرده است و عمل را تکرار کرد  
و هر دفعه نتیجه خوب بخشد قنول شده اند معینه بنگ گنگ  
بغیر شده اند اطلاع داده که بعد از غزیت پیویرین میوپاشتر  
همان ماده را بدو نفره شاگرد در پاشتر کاتولیکی که مبتلا به مرض طاعون

شده بودند تفتیح کرد و هر دو از خطر حبتند میوپاشترن آموختی  
که از بنا در چین است رفته و در روز در آنجا قات کرده و میت و  
دو نفره بریض مبتلا بطاعون ابهین پنج معالجه نموده میت نفر  
از آنها شفا یافته اند و لا بار میوپاشترن در کار حبتند به تحصیل نموده  
طمان میباش

در هر حال شک نیست که ماده جنبه ای دار العلم پاشتر در علاج  
طاعون اثر بزرگی دارد و اگر دولت چین در این پسند همراهی کند  
یقیناً این مرض دهشتناک را میتوان از مملکت فرزند آسمان دور  
پاخت یعنی بنیاد آن را بر انداخت  
پس پاشتر دانستند چه در حیات خود چه در مالت برای نوع انسان  
وجودی سودمند بوده و خدمات بسیار بزرگ به عالم انبیا  
نموده

طوفانی الحیات و فی المات

لحق انت احدی المکرمات

(اعلان)

قیمت اعلان غیر مکرر در این روزنامه پشتری و شاهای است و اگر  
یک اعلان را مکرر بخوانند پشتری بخاچی محض اطلاع عرض شد